نگاهی به جایگاه قلم و مشکلات حوزه نشر به مناسبت روز قلم

چرا چرخ زندگی اهل قلم نمی چرخد؟!

گروه فرهنگی-فهیمه جهازیان: روز چهاردهم تیرماه در تقویم رسمی کشـور به عنوان روز قلم ثبت شده است؛ روزی که فرصتی برای اندیشـیدن به این موضوع است که جایگاه قلم در کشور ما کجاسـت؟! در سال ۱۳۸۱ پس از پیشـنهاد انجمن قلم ایران و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز چهاردهـم تیرماه به عنوان روز قلم در تقویم رسـمی کشور به ثبت رسید. احترام به قلم، در دین اسلام، احترامی غیرقابل انکار اسـت که در ایه شریفه «نوالقلم و ما یسطرون» آشکار اسـت. در آیه اول سوره قلم، پروردگار متعال به قلم سوگند یاد کرده است: سوگند به قلم و آنچه می نویسـند. بنابراین قلم در دین جایگاه برجسته ای دارد. در تاریخ ایران نیز قلم، جایگاه برجسـته ای داشته و اصولا فلسفه انتخاب روز چهاردهم تیرماه به عنوان روز قلم، همین جایگاه تاریخی قلم در ایران باسـتان بوده است. در این روز که مصادف با جشن تیرگان بود، هوشنگ، پادشاه پیشدادی، نویسندگان را گرد آورد و آنها را به رسمیت شناخت و گرامی داشـت و به مردم دستور داد تا در روز جشن، لباس کاتبان را بپوشـند و مقام آنان را عزیز دارند. این موضوع در کتاب آثارالباقیه، نوشـته ابوریحان بیرونی در فصل نهم ذکر شده اسـت. دلیل انتخاب روزی به عنـوان روز قلم در ایران این بوده که بهانه ای برای تجلیل از نویسندگان و اهل قلم وجود داشته باشـد اما مروری بر خبرها نشان می دهد امسال در روز قلم، اتفاقات چندانی رخ نمـی دهد. در واقع بر خلاف بسـیاری از مناسبتها که حداقل به همان مناسبت، از افراد مرتبط با آن موضوع یا مناسـبت تقدیر به عمل می آید یا یک گردهمایی یا جشـن برای آنها برپا می شـود، در روز قلم در بیست سالی که از ثبت رسمی این مناسبت سپری می شود، عموما شاهد برپایی گردهمایی سراسری و بزرگی نبوده ایم که شـاید دلیل اصلی آن را باید مهجور بودن قلم و اهل قلم در ایران دانست. اهل قلم را در ایران می توان به دو دسـته نویسندگان و روزنامه نگاران تقسیم کرد. در این میـان روزنامه نگاران، در روزی به نام روز خبرنگار که اتفاقا آن هم در فصل تابسـتان است مورد تقدیر قرار می گیرند. اما نویسندگان، با وجود تاثیرگذاری غیرقابل انکاری که در فرهنگ و رشد فرهنگی جامعه داشته اند، همواره در حاشیه بوده اند. این موضوع در مورد نویسندگان منتقد، محسوس تر و ملموس تر است. مشکلات نویسندگان و اهل قلم را در حوزه نشر به دو دسته اساسی می توان تقسیم کرد: سانسور؛ کاهش اقبال به کتابخوانی.

مشکلی همیشگی به نام ممیزی

سانسـور و ممیزی کتابها، سابقه ای دیرینه در کشور ما دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به اینکه انقلاب اسـلامی را یک انقلاب فرهنگی معرفی می کردند و آزادی از شعارهای اساسی و ارکان پایه ای آن بود، انتظار می رفت شـاهد رشـد فضای فرهنگی از طریق افزایش سعه صدر و ایجـاد فضای باز برای اهل قلم باشـیم؛ بویژه از این جهت که اهل قلم در دوران پهلوی با محدودیتهای فراوانی مواجه بودند و از این منظر از حامیان انقلاب اسلامی محسوب می شـدند. اما پس از پیروزی انقلاب، در مقاطع زمانی مختلف شـاهد ایجاد محدودیتهایی بر نویسندگان بوده ایم که در برخی دوره ها به اوج خود رسـیده است. بویژه در دوره ای که قتل نویسندگان منتقد و دگراندیش در دوران اصلاحات، بسـیار سر و صدا کرد و پیش از آن هم ماجراهایی همچون تلاش برای سقوط اتوبوس حامل نویسندگان به دره رخ داده بود تا طیفی نشان دهند که تحمل قلم نویسندگان منتقد و دگراندیش را ندارند. اگرچه از آن روزها بیش از دو دهه است که فاصله گرفته ایم امـا همچنان ممیزی کتابها، در حوزه های مختلف، ادامه دارد و برخی نویسندگان مطرح از خیر انتشـار کتابهایشان با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذشته اند و کمتابهای خود را در فضای مجازی منتشر می کننـد و از مخاطبان می خواهند اگر تمایل داشـتند مبلغ مشخصی را به عنوان هزینه خرید کتاب مجازی به حساب نویسنده واریز کنند. دور باطل سانمسور و ممیزی، نه تنها نویسندگان را با موانع فراوانی مواجه کرده بلکه ناشران بخش خصوصی و به طور کلی چرخه نشر را دچار چالش اقتصادی بزرگی کرده چراکه نویسندگانی که طرفداران بیشتری دارند و امکان فروش بالاتر آثار آنها وجود دارد، از چرخه نشـر به دور می مانند.

کاهش اقبال به کتابخوانی

اقبال به کتابخوانی در سـالهای اخیر کاهش یافته است. هرچند این موضوع را نمی توان بی ارتباط با گسترش شبکه های اجتماعی و فضای مجازی دانست، اما سانسور و ممیزی، کاهش فعالیت قانونی نویسندگان مطرح و مشکلات بیشمار فعالان عرصه نشر از جمله گرانی هزینه ها بویژه هزینه کاغذ و چاپ هم مزید بر علت شـده تا اقبال مردم به کتابخوانی کاهش یابد که این امر بزرگترین فشـار را به اهل قلم وارد می کند که زندگی خود را از این مسـیر سپری می کنند. کاهـش تیراژ کتابها، افزایش تعداد آثار ضعیف که با هزینه نویسندگان و شـاعران تازه کار و نه چندان توانمند منتشر می شـود و در مقابل، افزایش تعداد نویسـندگان مطرحی که به دلیل ممیزی، حاضر به انتشـار کتاب خود نیستند، همه دسـت به دسـت هم داده تا چرخه نشر و به تبع آن معیشـت اهل قلم را با چالش مواجه کند. در این شـرایط، بزرگتریـن گامی که می توان بـرای بهبود فضای فرهنگی کشور و ارتقای سطح معیشـتی اهل قلم برداشت، افزایش سعه صدر در بررسی آثار نویسندگان و فراهم ساختن زمینه مناسـب برای انتشار آثار آنان است تا چرخه نشر در کشور، رونق بگیرد و چرخ زندگی اهل قلم نیز حرکت مسـتمر و پایدارتری پیدا کند.

بدرقه فریماه فرجامی به خانه ابدی

فریماه فرجامی با حضور خانواده این هنرمند و جمعی از همکارانش در سینما و تئاتر به خانه ابدی بدرقه شد.

به گزارش ایسـنا، تعدادی از دوسـتداران زنده‌یاد فریمـاه فرجامی صبح سه‌شـنبه ۱۳ تیرماه در مقابل خانه هنرمندان گردهم آمدند تا با بازیگری که سال‌ها از عرصه هنری به شکل جدی دور شـده بود اما نقـش و جایگاهش در سینما فراموش‌شدنی نیست، وداع کنند.

این مراسم پس از پخش چند قطعه موسیقی با صـدای محمدرضا و همایون شـجریان و با اجرای احترام برومند آغاز شد.

از زندگی خیری ندید

برومند با اشاره به این‌که امروز همه صاحب عزا هستیم گفت: ما او را خیلی زودتر از آن‌چه تصور می‌کردیـم در اوج زیبایـی و پختگی و مهربانـی و صمیمیت از دسـت دادیم. به این ویژگی‌ها اسـتعدادش در بازیگـری را هم باید اضافه کنیم تا بشود فریماه فرجامی که خیری از زندگی ندید ولی لب به گله نگشود.

مرضیـه برومند مدیرعامل خانه سـینما به عنوان نخستین سـخنران این مراسم با اشاره به این‌که تمایلی به صحبت نداشـته گفت: به من گفتند چون مدیرعامل خانه سینما هستم باید صحبت کنم ولی اتفاقا می‌پرسـم که چه مدیرعامل و خانه سینمایی که مدام عزا برگزار می‌کند؟ پس جشن کو؟

او افـزود: از دیشـب وقتی بـه فریماه فکر می‌کردم نام پریچهر هم همزمان به یادم می‌آمد که دخترعمه من بود و بسیار زیبا بود و به طرز مشـکوکی از دنیا رفت تا جایی که خواهرانش همیشـه او را آبجی ناکام صـدا می‌زدند. این شباهت با سرنوشـت فریماه فرجامی برای من عجیب اسـت چون فریماه آبجی و ستاره ناکام ما بود که قربانی مناسـبات سینمای دهه ۶۰ شـد؛ زمانی که هنوز جریانات سینمای قبل از انقلاب بر آن غالب بود. او بیشتر قربانی زیبایی و هنرش شد.

برومند گفت: فریماه فرجامی مدارج سـتاره شدن را به سـرعت طی کرد ولی ما خیلی زود از حضـور او در صحنه‌های تئاتـر و پرده‌های سینما محروم شـدیم. سرگذشت او باعث شد نسل بعدی دقت بیشـتری کند. آن‌ها همیشه کنار مردم بودند. روسـری سـر کردند و نقش کارگر کارخانه رب را بازی کردند. مقنعه سـر کردند و نقش همسـر و کارمند را بازی کردند. چادر سـر کردند و نقش مادر و همسر شهید را بازی کردند. این‌ها در قلب مردم ستاره هستند. هنرمند امروز کنار مردم است و مناسباتش را با حکومت، مردم تعیین می‌کند. من این را از روی درد و خیرخواهـی می‌گویم که نمی‌توان مانع فعالیت آن‌ها شد چون هنرمندان نقش خود را به جا گذاشته‌اند. ما سیاسی نیستیم ولی همواره با مردم هستیم.

احترام برومند در ایـن بخش بیان کرد که قـرار بود رخشـان بنی‌اعتماد در این مراسـم حضور داشته باشـد و صحبت کند ولی برخی همکاران به دلایلـی در محافل عمومی حضور پیدا نمی‌کنند.

در ادامـه مسـعود فروتن خاطراتـی را از همکاری با این هنرمند تعریف کرد.

امیدوارم تراژدی فریماه فرجامی تکرار نشود

سـپس ایرج راد رییـس هیات‌مدیره خانه تئاتر گفت: فریماه فرجامی دختر تئاتر بود. در اداره هنرهای دراماتیک و دانشـگاه درس تئاتر خواند و با بزرگان این هنـر کار کرد. تئاتر کار سختی اسـت و جسم سالم و تمرین‌های بدنی نیاز دارد. البته بیشتر وقت‌ها درباره فعالیت‌های سـینمایی فرجامی صحبت می‌شود ولی او در تئاتر نقش‌های ماندگاری داشت.

او افزود: فریماه فرجامی سادگی‌ای داشت که باعث شـد او را دوره کنند تا کار به جایی برسد که نباید می‌رسید. او توانایی داشت که کارهای زیادی در این عرصه داشـته باشـد ولی حتی کسـانی که از مصائب و آگاه بودند دست او را نگرفتند. این سرمایه‌ای بود که ما از دست دادیم در حالی که می‌توانسـت باعث افتخار بیشتری باشـد. امیدوارم تراژدی فریمـاه فرجامی برای هنرمندان تکرار نشود.

غمگین بود و غمگینانه رفت

در بخشی دیگر ابوالفضل پورعرب در سخنانی گفت: در مورد خانم فرجامی باید بگویم که آفاق بـود و آفاق رفت. غمگین بود و غمگینانه رفت. در سال‌هایی که کار می‌کردیم دوستی‌ای بین ما شـکل گرفت و هر از گاهی سراغ می‌گرفتم ولی نمی‌دانم چه شد که این تنهایی اتفاق افتاد.

این بازیگر افزود: اولین‌بار اسـت که می‌بینم مردم برای عکس گرفتن نیامده‌اند بلکه آمده‌اند تا ببینند این هنرمنـد را تا کجا باید همراهی کنند. مردم همیشه همراه بودند و در این سال‌ها ما پیر شدیم و مو سـفید کردیم. ان‌شاءالله در شادی‌ها برای مردم جبران کنیم.

پورعـرب در پایان گفت: نگذاشـتند ما در بیمارستان ایشان را ملاقات کنیم چون آدرسی ندادند ولی امیدوارم دیگر از این غم‌ها نباشد.

سرنوشت فریماه فرجامی باید الگو باشد

در ادامه قطب‌الدین صادقی گفت: مرگ حق اسـت ولی ابلهانه است اگر به استقبالش برویم. دوستان جرات نکردند بگویند ولی من می‌گویم و اسم آن را هم خودتخریبی می‌گذارم.

این هنرمنـد تئاتر افزود: سیاسـتمداران، ورزشـکاران و هنرمندان سه دسته‌ای هستند که در جامعه دیده می‌شوند و اگر کسی در این مسیر خودتخریبی کند به باور فرهنگی جامعه آسـیب می‌زند. فریماه فرجامی فقط در همین بخش کم آورد که توسـط دوستان ناجوانمرد اتفاق افتاد. من همـه چیز را می‌دانم ولی لازم نیست این‌جا نام کسی را ببرم.

صادقی گفـت: کانت کتابی بـه نام «خرد محض» دارد و می‌گوید اخلاق یک چیز لایتغیر است و تغییر نمی‌کند؛ ارتباطی هم به سواد، نژاد و فرهنگ ندارد. او معتقد است هرجا نفسانیات چیره شـد اخلاق از بین می‌رود و هر جا منافع جمع باشـد اخلاق هم هست. باید برای حفظ باورهای جمع بکوشـیم. نگاه کنیـد بازیگران چلغـوز آمریکایی که چه بدن‌هـای ورزیده‌ای دارند ولـی همکاران ما در این‌جـا تا به جایی می‌رسند فن و بیان و تمرین را هم رها می‌کنند.

او در ادامـه بیـان کـرد: یکـی از بدترین تربیت‌های مـا همین حفظ نکردن سـلامت جسمی اسـت و سرنوشت فریماه فرجامی باید الگویی باشد برای همه کسانی که می‌خواهند در این وادی قدم بردارند.

هنرمندان اول خود را می‌شکنند

در ادامه صحبت‌های او احترام برومند یادآور شد: هنرمندان به دلیل روحیه حساسی که دارند برخلاف سیاستمداران اول خود را می‌شکنند نه این‌که به دیگران آسـیبی بزنند. ضمن این‌که ما برخلاف سـال‌های دهه ۶۰ خیلی پشت هم هستیم و از یکدیگر حمایت می‌کنیم.

افسانه چهره‌آزاد، بازیگر نیز از رسیدگی مالی و معنوی خانواده فرجامی به او صحبت و تاکید کرد: برخلاف برخی صحبت‌های مطرح‌شـده فریماه فرجامی تنهـا نبود ولی خانواده تمایلی نداشـتند او خیلی در محافل باشد و ما باید به این موضوع احترام می‌گذاشتیم.

در این بخش از مراسم پیکر فریماه فرجامی به محوطه خانه هنرمندان ایران آورده شـد تا خانواده و همکارانش با او وداع کنند.

سپس فرهاد فرجامی از حاضران در مراسم و خانه‌های سـینما و تئاتر برای برپایی مراسم قدردانی کرد. همچنین پس از نماز میت، اعلام شد که جمعه ۱۶ تیرماه از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ در مسجد الرضا مراسم ترحیم این بازیگر برگزار می‌شود.

علـی دهکردی عضـو هیأت مدیـره خانه سـینما، محمد شـیری، مهوش وقاری، اصغر همت، محمود پاک‌نیـت، پژمان بازغی رییس انجمن بازیگران خانه سینما، کوروش سلیمانی، اکرم محمدی، رضا درمیشیان، مازیار لرستانی، حبیب دهقان‌نسـب، رضا بابک، محمدمهدی عسـگرپور، مه‌لقا باقری، محسن امیریوسفی و شهرام گیل‌آبادی از جمله دیگر حاضران در این مراسم بودند. فریماه فرجامی حدود دو ماه قبل دچار سکته مغزی شـد و پس از بهبود نسبی درمان را تحت نظر پزشک در منزل ادامه داد اما دو هفته قبل دوباره براثر سکته راهی بیمارستان شـد و حدود چند روز را در کما به سـر برد تا این‌که شـامگاه جمعه ۹ تیرماه خبر درگذشت این بازیگر در سـن ۷۱ سالگی به طور رسمی اعلام شـد. «خط قرمز» و «سـرب» مسعود کیمیایی، «اجاره‌نشین‌ها»ی داریوش مهرجویی، «مـادر» علـی حاتمـی، «پرده آخـر» واروژ کریم‌مسیحی و «نرگس» رخشان بنی‌اعتماد از جمله فیلم‌های این بازیگر بودند.

نویسنده ادبیات کودک و نوجوان درباره مسئله کتاب‌خوانی کودکان و نوجوانان عنوان کرد

خاصیت درمانی ادبیات

مجید شـفیعی با تأکید بـر روایت‌درمانی و تسـکین‌دهندگی ادبیـات می‌گویـد: برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها بایـد ابتدا جرقه نیاز را در کـودکان به وجود بیاوریم. این نویسـنده ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسـنا درباره مسـئله کتاب‌خوانی کودکان و نوجوانان و راهکارهایی که برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها وجود دارد، اظهار کـرد: خانواده به‌عنوان اولین بستر رشـد فکری و جسـمی و روحی کودک در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار اسـت. کتاب ازاین‌جهـت برای کودک مهم خواهد بود که تأثیرش را در زندگی خود ببیند و صرفاً برای گذارنـدن اوقاتی برای مطالعه نباشـد، بلکه در زیست او تاثیر بگذارد. اخیراً کتاب تاثیرگذاری را مطالعه می‌کردم با عنوان «تندپا و بادها» نوشته اورسلا ولفل با ترجمه کمال بهروزی که در نشر افق منتشر شده است که شرح سفر پرماجرای کودکی است با پدرش. هر کجا که برای کودک سـوالی پیش می‌آید پدر با شرح واقعه و روایتی و گفتن قصه‌ای به طور غیرمستقیم به او پاسخ می‌دهد یا هر کجا که با مشکلی مواجه می‌شوند و کودک ناتوان از حل معماست این روایت‌های پدر و داسـتان‌های اوسـت که بـه داد کودک می‌رسـد و راه‌حلی پیش پای او می‌گذارد و به سوالات او به طرز خلاقانه‌ای پاسخ می‌گوید. این خود به وجه درمانی و روشنگرانه داستان و روایت داسـتانی اشاره دارد. او در ادامه گفت: داستان باید توانایی این را داشته باشد که برای بی‌شمار سوالات کودک در باب هستی و زمان و جهان و دین و فرهنگ و آیین جواب‌های درخوری داشته باشـد حال نه برای همه این سوالات بلکه باید بتواند گوشه‌ای از این میل مفرط به کنجکاوی را اقنـاع کند و البته خاصیت درمانی از آن جهت داشته باشد که کودک بتواند مراحل رشد خود را با این امکان خلاقانه و هستی‌شناسانه طی کند.

شـفیعی در ادامه افزود: ذهن کودک آکنده از سوالات بی‌شمار است و این ابتدای دانایی است. پرسش از هستی، زمان، مکان، فرهنگ و دین و آیین و این سوالات باید به‌گونه‌ای پاسخ داده شود. لذا در این مرحله داستان و روایت می‌تواند ابزاری برای روشنگری و محملی برای دانایی باشد. اگر سوالات بی‌پاسخ بمانند و یا پاسخ درستی نیابند و یا شیوه‌های بیان درست نداشته باشند بی‌شک در روند رشـد کودک خلل ایجاد خواهد شد و در بزرگسـالی هم برای او مشکل‌زا خواهد بود. پس ادبیات می‌تواند بستری باشد برای پاسخ به سوالات کودکان. شفیعی خاطرنشان کرد: ادبیات بسـتر گفت‌وگوی ما با جهان اسـت؛ با ادبیات می‌توانیـم به واکاوی روح خویشـتن و دیگران بپردازیم؛ به عنوان مثـال بزرگترین رمان‌های نویسـنده شهیر روسـی داستایوفسکی که در قرن ۱۹ یعنی زمانی که مدرنیته در حال شکل گرفتن است، نوشته شده و از خلال نوشته‌هایش می‌توان اشارات روانشناسانه بی‌شماری را کشف کرد که با جدیدترین نظریه‌هـا و دریافت‌های روان‌شناسـی کنونی جهان مطابقت دارد زیرا او همچنان که فرزند زمانه خود بوده و قاموس زمانه را درک کرده در ادبیات به واکاوی روانشناسـانه شخصیت‌ها هم دست زده و این در داستان‌هایش منعکس است پس داستان‌های او بستری است برای روشـنگری‌های روانشناسـانه و فلسفی. او با اشـاره به تأثیر روایت‌درمانی در تسکین و درمان بیماری‌ها تأکید کـرد: برای کتاب‌خوان کـردن بچه‌ها باید ابتدا جرقه نیاز را در کودکان روشن کنیم؛ این‌که فرهنگ و ادبیات و هنر برای چیست؟ آیا بشر به آن نیاز دارد؟ وظیفه ادبیات و هنر چیست؟ البته که ادبیات پیش‌رو و مترقی همزمان خاصیت تسـکین‌دهی و شفابخشی و روشـن‌گرانه دارد و باید که دنیاهای ناشناخته درون بشـر را در ادبیات کشـف و خودمان را در آن پیدا کنیم و این امر مسـتلزم این اسـت که این روشـنگری‌ها از خانواده شـروع شود و بعد در سیستم آموزشـی یعنی سیستمی که بچه‌ها در آن رشد می‌کنند، ادامه یابد. متأسفانه سیستم آموزشی ما این نیاز کودک و نوجوان را برآورده نمی‌کند؛ زیرا قسمت پرورشی آن مغفول واقع شـده است! این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان سپس با انتقاد از برخی کتاب‌های کودک تألیفی در کشورمان، بیان کرد: متأسفانه ناشران و کارشناسـان نشر سعی در کشـف و دریافت ایده‌های نو و درخشان ندارند. البته این موضوع به علت نبود ویراسـتاران ادبی و محتوایی این حوزه می‌تواند باشد. کارشناسانی که باید علاوه بر دانـش ادبی به میزان قابـل قبولی از دانش روانشناسی و فلسفه و مردم‌شناسانه نیز برخوردار باشند. شاید ایده‌هایی که مغفول واقع شده و به محاق می‌روند همان‌ها باشند که کودک زمانه ما برای شناخت هر چه بیشتر خود بدان‌ها نیازمند است.

اصولا باید مشـخص شود که کودکان به چه نوعی از ادبیاتی نیازمند هسـتند؟ و آیا دانشی فراهم شـده کـه ورای آموزه‌های مدرسـه‌ای مرسوم باشد و بتواند نیازهای روحی و روانی‌شان را بـرآورده کند!؟ در حالی‌کـه می‌بینیم نفوذ بازی‌های یارانه‌ای و هـوش مصنوعی و فضای دیجیتال، رقابـت عجیب‌وغریبی بین ادبیات و فضای دیجیتال و مجازی به وجود آورده است؛ به عنوان مثال کسی که گوشی همراه را اختراع کرده، فرد باهوشی بوده که فرزند زمانه خود بوده و حتی فرازمانی می‌اندیشیده است. او ادامه داد: درعین‌حال و با توجـه به نفوذ جهان دیجیتال و مجـازی می‌بینیم که به عنوان مثال کارهای رولینگ هنوز هم خواندنی هستند و نوجوان خود را در قالب هری پاتر می‌بیند. یکی از کتاب‌های مجموعه هری پاتر روایت‌گر گرفتاری هری پاتر اسـت در چنگال عنکبوتی غول‌پیکر که بعدها رولینگ در خاطرات خود اذعان داشـته که آن فرازهـا روایت‌گر تمثیل‌گونه دورانی اسـت که اسیر افسـردگی بوده است. پس ادبیات پیش‌رو می‌تواند، سازوکاری به وجود بیاورد که خاصیت درمانی داشته باشد و این موضوع مستلزم این است که نیاز به ادبیات در کودک به وجود بیاید و تا نیاز به وجود نیاید، گویی هیچ راهنمایی در این مسیر ندارد. شفیعی افزود: اگر چنان‌چه ادبیات کودک و نوجوان ایران، چنان‌که در غرب هست، نتوانسته تسـکین‌بخش و راهنما و روشنگر و خلاقانه باشد، شاید به‌خاطر این است که اجازه بروز ایده‌ای نو و خلاقانه داده نشـده است و یا همان‌طور که پیش‌تر گفتم به علت نبود دانش کافی کارشناسان و مدیران نشر و اصولا اصحاب فرهنگ و ارگان‌های متولی فرهنگ مغفول واقع شـده است! به طور کلی می‌توان گفت استعداد بچه‌ها در مدارس کشـف نمی‌شـود و کودک نمی‌داند که به واقع از چه استعداد و توانایی‌هایی برخوردار است پس باید ادبیات این خلا را پر کند و او را به شناختی نسبی از خود برساند و بتواند با خواندن کتاب در تجربه بی‌شـمار انسان‌های زمین سهیم شود.

اخبار کوتاه

جدال چه‌گوارا و لری کینگ با حضور علی‌اکبر صالحی

اولیـن اجرای نمایش «چـه» با حضور علی‌اکبر صالحی معاون پژوهشـی و قائم مقام رئیس فرهنگسـتان علوم و دکتر مهـدی حجت بنیان‌گذار میراث فرهنگی در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر دوشنبه ۱۲ تیرماه به روی صحنه رفت. به گزارش مشاور رسانه‌ای نمایش «چه»؛ پرتره‌ای از ارنستو چه‌گوارا سیاست‌مدار و آزادی‌خواه تحت عنوان نمایش «چه» به نویسندگی و کارگردانی مهران رنجبر و تهیه‌کنندگی مهدی بابایی در اولین اجرای رسـمی خـود میزبان علی‌اکبر صالحی، دکتر مهـدی حجت و جمعی از هنرمندان از جمله کاوه آفاق بود.

این نمایش که به جدال میان ارنسـتو چه‌گوارا و لری کینگ مجری شـبکه سـی‌ان‌ان می‌پردازد، با بازی مهران رنجبر، مهـدی یگانه و با حضور علیرضا عبدالکریم خواننده مطرح اپرا در قالب یک مونوگرافی طاقت‌فرسـا هر شب به جز شنبه‌ها به روی صحنه می‌رود.

تاکنون پرتره‌های نمایشـی مختلفی مانند اسـتیو جابز، کریم لوژی، مارلون براندو، قائم مقام فراهانی و مارادونا به نویسندگی و کارگردانی مهران رنجبر اجرا شده است. سایر عوامل نمایش «چه» عبارتند از رها جهانشاهی مجری طرح، علیرضا عبدالکریمی آهنگساز، رضا کرمی‌زاده طراح صحنه، الهام شعبانی طراح لباس، حمید جلالی طراح نور، سـپاس رضایی طراح حرکت، علیرضا لاجورد عکس و تیزر، کاظم بابایی دستیار کارگردان، آرمینا ضیانور و لیلا فرداد گروه کارگردانی، رعنا زندی گرافیک، فاطمه بابایی روابط عمومی، برهان رکنی مدیر تبلیغات، کوشا کریمی دستیار صحنه، امین ملکی و سعید کرمی‌زاده ساخت دکور، حسین پناهی دوخت لباس، حمید طاهری و مقداد صفری دستیار نور و مینا صمدی مشاور رسانه‌ای. نمایش «چه» به مدت ۲۹ شب از ۱۲ تیر ماه لغایت ۲۰ مرداد، ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریانِ تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه خواهد رفت. علاقه‌مندان به تهیه اینترنتیِ بلیت‌های این نمایش و مطالعه نقد و تحلیل می‌توانند به سایت تیوال مراجعه نمایند.

ثریا قاسمی برای بچه‌ها قصه می گوید

کتاب صوتی «برای کودکان» با روایت ثریا قاسـمی بازیگر سینما و تلویزیون با آهنگسازی حمیدرضا آفریده و نویسندگی الهام افراز مراحل میانی ضبط را پشت سر می‌گذارد. به گزارش ایلنا، کتاب صوتی «برای کودکان» با قصه گویی ثریا قاسـمی و آهنگسازی حمیدرضا آفریده و نویسندگی الهام افراز در میانه مراحل ضبط نهایی قرار دارد. آهنگساز این مجموعه گفت: اثر پیش رو مجموعه کتاب صوتی با موضوعیت و محوریت اشکال هندسی و سازهای موسیقی ایرانی، حدود یک‌سـال و نیم است که مراحل تولید و ضبط آن در حال انجام است و اکنون به نیمه‌های پایانی این مجموعه نزدیک هستیم. الهام افراز درباره موضوع و نگاه این کتاب گفت: کتاب «کی بود کی نبود» داستان کوتاهی است که از اشـکال هندسی بعنوان نماد گروه‌های مختلف افراد در جامعه و یا جنبه‌های روانی مختلف شـخصیت هر فرد، کمک گرفته شده است. در روند داستان به چالش‌هایی که هر فرد در طی مسیر رشد شخصیت با آن مواجه می‌شود اشاره شده است. آفریده درباره آهنگسازی و مراحل تولید گفت: اولین‌باری که کتاب را خواندم و دوسـتی که با خانم افراز داشـتم بسیار از شخصیت‌ها و موضوع این کتاب لذت بردم؛ چرا که قابلیت نقش‌پردازی و شخصیت‌سـازی اشـکال هندسی با سازهای موسیقی ایرانی برای این کتاب بسیار بالا بود. از آنجایی که سال‌هاست کتاب صوتی برای کودکان در این قالب، که موسیقی سنتی بتواند نقش مهم و کلیدی داشته باشد احساس کمبود می‌کردم تا اینکه این مجموعه را با محوریت سازهای موسـیقی ایرانی شخصیت‌سازی کردم و سعی در این داشتم که بتوانم با سازهای موسیقی ایرانی پیوندی ایجاد کنم که هم موضوع اصلی این اثر حفظ بشـود و هم جنبه‌های فرهنگی دیگری از جمله موسیقی در داستان نقش پررنگی داشته باشد. در آهنگسازی این مجموعه سعی شده هم شـناخت سازهای ملی نقش پر رنگی داشـته باشد و هم از قابلیت بالای موسیقی ایرانی یعنی دستگاه‌ها و آوازها و نیز استفاده از فرمهای مختلفی مثل پیش درآمد، چهار مضراب و رِنگ در این مجموعه استفاده شود به عبارتی هر شـکل نماد یک ساز در یک دستگاه موسیقی ایرانی و یک فرم از آهنگسازی موسیقی ایرانی باشد. این مجموعه توسط تیم استودیو سورن شخصیت‌سازی و صداگذاری شده است. بخش شخصیت اصلی این مجموعه که ساز تنبک است، هنوز ضبط نشده و قرار است توسط یکی از نوازندگان این حوزه نواخته شود. بعد از مراحل ادیت، میکس و مستر هم به‌صورت فیزیکی و هم در پلتفورم‌های جهانی موسیقی و کتاب انتشار پیدا می‌کند.

ابوالهول ایرانی در گرجستان

فیلـم کوتاه «ابوالهول» به کارگردانی حمید یوسـفی به جشـنواره تائوبا در گرجسـتان راه یافت. به گزارش ایسنا، ششـمین دوره جشنواره بین‌المللی «TAOBA» از ۲۶ سـپتامبر تا اول اکتبر (۴ تا ۹ مهرماه) در شـهر تفلیس گرجستان برگزار می‌شود. «ابوالهول» پیش از این در کشورهای ایتالیا، آمریکا، آلمان، کانادا و آلبانی به نمایـش درآمده و پخش بین‌المللی این اثر بر عهده کمپانی ماداکتو پیکچرز اسـت. این فیلم کوتاه نوشته حمید یوسفی و رومینا روشن‌بین است و رومینا روشن‌بین و علی خوش‌بین بازیگرانی هستند که در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. حمید یوسفی ساخت فیلم‌های «سینما نمایشگاه مجهول و داستان ما» و «سمعک» را در کارنامه خود دارد. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: مجسمه ابوالهول یا پدر ترس، غول افسانه‌ای مصر باستان و اسـطوره ادیپ، مخلوطی از انسان و حیوان، شبیه سر انسان با پوشش زنان زمان مصر باستان است.

مرگ نویسنده اوکراینی در حملات موشکی

«ویکتوریا آملینا» نویسـنده اوکراینی برنده جایزه بر اثر جراحات وارده پس از اصابت موشک روسی به یک رستوران در شرق اوکراین جان باخت. به گزارش ایسنا به نقل از بی‌بی‌سی، این محقق جنایات جنگی سیزدهمین فردی است که در این حمله جان خود را از دست داده است و انجمن قلم (پِن) اوکراین نیز اعلام کرد که پزشکان نهایت تلاش خود را برای نجات جان اینِ نویسنده انجام دادند، اما متأسفانه جراحت کشنده بوده است.

شهر کراماتورسـک تحت کنترل اوکراین اسـت اما نزدیک به مناطق تحت اشغال روسـیه در اوکراین قرار دارد. «ویکتوریا آملینا» ۳۷ ساله، با گروهی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان کلمبیایی مشغول صرف غذا بود که موشک روسی به این منطقه اصابت کرد. در این حمله حدود ۶۰ نفر دیگر زخمی شـدند. او یکی از مشهورترین نویسندگان جوان اوکراینی بود که پس از تهاجم گسترده روسیه در سال گذشته، مستندسازی جنایات جنگی را آغاز کرد. او همچنین با کودکان در نزدیکی خط مقدم شروع به کار کرد. سال گذشته او دفتر خاطرات نویسـنده کودک «ولودیمیر واکولنکو» را که بلافاصله پس از تهاجم توسـط نیروهای روسـی در شهر ایزیوم ربوده و کشـته شد، کشف کرد. اولین کتاب غیرداستانی این نویسنده به زبان انگلیسی با عنوان «خاطرات جنگ و عدالت: نگاهی به زنان نگاهی به جنگ» قرار است منتشر شود.

در پستی که در پروفایل توییتر او سنجاق شده است، «ویکتوریا آملینا» را در حال عکس گرفتن از ساختمان بمب‌گذاری‌شده در اوکراین نشان می‌دهد. در این پسـت آمده است: «در این تصویر من هستم. من یک نویسنده اوکراینی هسـتم. روی کیفم پرتره‌هایی از شاعران بزرگ اوکراینی دارم. به نظر می‌رسد باید از کتاب‌ها، هنر و پسر کوچکم عکس می‌گرفتم. اما من جنایات جنگی را مستند می‌کنم و به صدای گلوله‌باران گوش می‌دهم نه شعر. چرا؟»

درگذشت نوه رابرت دنیرو

«لئونادرو دنیرو رودریگرز»، نوه «رابرت دنیرو» در سن ۱۹ سالگی درگذشت. به گزارش ایسـنا و به نقل از گاردین، اعضـای خانواده «رابرت دنیرو»، بازیگر مشهور آمریکایی از درگذشـت «لئونادرو دنیرو رودریگرز»، نوه این هنرپیشه خبـر دادند. «درنا»، دختر بزرگ «رابرت دنیرو» در صفحه اینسـتاگرامش از درگذشت پسرش خبر داد.

«درنا دنیرو»، بزرگ‌ترین فرزند در بین هفت فرزند «رابرت دنیرو» است. «درنا» و پسرش در سـه پروژه از جمله فیلم موفق «ستاره‌ای متولد شده است» در نقش یک مادر و پسـر همکاری کرده بودند. «درنا» و «لئونادرو» همچنین در سـال ۲۰۰۵ در فیلم «مجموعه» و در سال ۲۰۱۸ در فیلم «کاباره ماکسیم» حضور پیدا کرده بودند.

«درنا دنیرو» علاوه بر این فیلم‌ها در «خوشـی»، «کارآموز» و «موتسارت در جنگل» هم جلو دوربین رفته است. خانواده «دنیرو» جزئیاتی درباره درگذشت «لئوناردو» منتشر نکرده و هنوز علت درگذشت این بازیگر ۱۹ ساله مشخص نشده است. نتایج بررسی‌های پزشکی در آینده اعلام خواهد شد.